یادداشت

خیریه‌های بی‌خیر

علی حیدری
نایب‌رئیس هیأت‌مدیره تأمین اجتماعی

● آلبر کامو جمله‌ای دارد با این مضمون که «برخی‌ها به گدا محتاج‌ترند تا گدا به آنها» و این حکایت خیریه‌های بی‌خیری است که برای آدم‌شویی و پول‌شویی استفاده می‌شوند و برخی از آنها به‌عنوان ابراز و محملی برای تزویر بیشتر استفاده می‌کنند و به این طریق به تطهیر ظاهری خویش می‌پردازند و عملا با این خیریه‌ها و کارهای خیر موردی و مقطعی خویش نسبت به معدودی از افرادی که خودشان مسبب فقرشان بوده‌اند، برای خود وجهه و برندی برای رسیدن به زر و زور بیشتر یا ارتقای جایگاه درآمدی و شغلی خود می‌سازند، همچنین با توجه به نظام اقتصادی، مالیاتی، پولی و بانکی غیرشفاف کشور درحال‌حاضر برخی از خیریه‌ها به‌عنوان راهی برای دورزدن قوانین مورد استفاده افراد قرار می‌گیرند.

در این مکانیسم مؤسسه‌ای غیرانتفاعی یا خیریه‌ای شکل می‌گیرد و در اساسنامه قید می‌شود که هرگاه این مؤسسه خواست منحل شود، اموال آن به یکی از آستان‌های مقدس یا سازمان بهزیستی و نظایر آن تعلق می‌گیرد و مؤسسان سهمی از آن نخواهند داشت و این قید در اساسنامه باعث می‌شود مؤسسه یا خیریه مزبور از خیلی امتیازات و انحصارات، معافیت‌ها و... بهره‌مند شود؛ اما گردش مالی سالانه آن و مقیاس مالی و فعالیتی آن و در نتیجه پرداختی بابت حق مدیریت، حق‌الزحمه و... به‌قدری بالاست که عملا انتفاع مؤسسان و مدیران در سنوات فعالیت مؤسسه یا خیریه حاصل می‌شود و در ضمن تطهیر چهره، کسب وجهه و آدم‌شویی و پول‌شویی نیز انجام می‌شود، بدون نیاز به پاسخ‌گویی و خارج از نظارت‌هایی که بر سایر مؤسسات و شرکت‌ها یا بخش‌های دولتی و عمومی جاری است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی دو اصل مترقی وجود دارد که ناظر به تک‌شغله‌بودن مقامات و مسئولان دولتی و حاکمیتی و منع وجود تعارض نقش و تضاد منافع مقامات و مسئولان و ضرورت رصد وضعیت مالی مقامات و مسئولان قبل و بعد از تصدی مناصب است، اما اصول مزبور به‌طور کامل و مؤثر رعایت نمی‌شود و بعضا به‌صورت شکلی رعایت می‌شود. اصول ۱۴۱ و ۱۴۲ قانون اساسی با هدف پیشگیری از ایجاد انواع مختلف رانت در مناصب دولتی و حکومتی طراحی و تدوین شده و یکی از احکام رایج در دنیاست.

یکی از راه‌های رعایت صوری این اصول به این‌صورت است که چون اصل ۱۴۱ قانون اساسی گفته است مقامات و مسئولان نباید «ریاست و مدیریت عامل و یا عضویت در هیأت‌مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی» را برعهده داشته باشند بنابراین این‌طور برداشت می‌شود که اگر افراد موصوف هم‌زمان با تصدی مقام و مسئولیت دولتی و حاکمیتی، سهام‌دار یا مالک شرکت خصوصی باشند، ایرادی ندارد ولی فقط نباید مدیرعامل یا عضو هیأت‌مدیره آن باشند؛ درنتیجه اگر همسر یا فرزندان آنها این مناصب را داشته باشند، ایراد اصل ۱۴۱ قانون اساسی رفع می‌شود؛ درحالی‌که پرواضح است قانون اساسی بحث مالکیت را نیز مدنظر داشته و طبیعی است که تصدی‌نداشتن شخص دولتی یا حاکمیتی و درعین‌حال مالکیت یا تصدی‌گری یکی از اقربای سببی و نسبی نمی‌تواند وافی و کافی به مقصود قانون‌گذار باشد.

ادامه در صفحه ۱۷

مرثیه‌ای بر یک طرح مصوب که می‌توانست تهران و پیرامونش را نجات دهد

حسرت بی‌بازگشت تهران

حامد گوهری‌پور*: گویا پایانی بر مسائل و گرفتاری‌های شهر و شهروندان تهران نیست. درحالی‌که خبرهای منتشرشده درخصوص واگذاری زمین‌ها و املاک به مدیران از سوی شهرداری تهران، این نهاد عمومی را در هفته‌های اخیر به کانون توجه رسانه‌ها و مردم بدل کرده بود؛ همچنان تبدیل‌شدن محله‌ها و خیابان‌ها به کارگاه ساختمانی و بحث‌های دامنه‌دار پیرامون شهرفروشی، ترافیک دم‌افزون، نوسازی بافت‌های فرسوده و از همه مهم‌تر، بازگشت میهمان ناخوانده، ولی همیشگی تهران؛ یعنی آلودگی هوا در روزهای پیشین (و احتمالا پیش‌رو)، مجددا عملکرد شهرداری و سرنوشت شهر تهران را در تیررس توجه همه قرار داده است؛ مسائل و مشکلاتی که گویا تنها یک جواب را برای فرار مدیران شهری مستأصل باقی گذاشته است: «مسائل باید ریشه‌ای حل شود»؛ «نگاه بلندمدت تنها راه‌حل نجات تهران است»؛ «مشکلات باید به صورت ساختاری بررسی شود»؛ «راه‌حل‌های مقطعی علاج بحران نیست» و... . این قبیل پاسخ‌های نخ‌نماشده و تاریخ‌مصرف‌گذشته، سؤال مهمی را در اذهان شهروندان ایجاد کرده است؛ سؤالی ساده، اما بسیار اساسی: آیا با گذشت قریب به چهار دهه از انقلاب اسلامی، تاکنون دستگاه کارشناسی و مدیریتی کشور نتوانسته طرحی بلندمدت را برای توسعه پایدار و برنامه‌مند کلان‌شهر تهران و پیرامون آن تهیه کند؟ مروری مختصر بر یکی از مهم‌ترین اسناد مصوب توسعه شهری در دو دهه اخیر پاسخ این پرسش را روشن می‌کند.

● امروزه، ادبیات برنامه‌ریزی این اصل را پذیرفته است که برنامه‌ریزی برای شهرها و روستاها تنها در صورتی موفق خواهد بود که پیوند منطقی میان آنها و برنامه‌های کلان ملی و منطقه‌ای وجود داشته باشد. منظور از منطقه در فرهنگ برنامه‌ریزی به زبان ساده، سطح جغرافیایی بزرگ‌تر از شهر و کوچک‌تر از کشور است که عموما در ایران یک یا چند استان را شامل شده و روابط اجتماعی جمعیتی، اقتصادی و کالبدی را میان نقاط شهری و روستایی داخل آن محدوده سامان می‌دهد؛ مثلا منطقه کلان‌شهری تهران، شامل شهرستان‌های تهران، دماوند، ری، شمیرانات، کرج، ورامین، اسلامشهر، ساوجبلاغ، شهریار، رباط‌کریم، پاکدشت و نظرآباد می‌شود. به بیان دیگر، چرایی منطقه‌بندی این است که تا زمانی که روابط یک شهر با نقاط شهری و روستایی پیرامون آن دیده نشده و در مقیاس کلان راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای آن تعیین نشود، تهیه یک طرح جامع و تفصیلی کارآمد و واقع‌گرایانه برای آن شهر، با نگاه جزیره‌ای و منفک از سکونتگاه‌های پیرامون، بسیار دشوار، بلکه ناممکن است.

در همین راستا، برای اولین‌بار در تیرماه سال ۱۳۷۴، هیأت وزیران (دولت ششم) به‌منظور امکان و ایجاد برنامه‌ریزی واحد برای شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور، «چارچوب طرح‌ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آنها» را تصویب کرد که به‌موجب آن مقدمات تهیه یک طرح فرادست برای منطقه کلان‌شهری تهران فراهم شد. چهار سال بعد نیز هیأت دولت در «آیین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور»، تکلیف مراجع تهیه، بررسی و تصویب طرح‌ها را مشخص کرد. نهایتا پس از سال‌ها مطالعه و نهایتا تصویب طرح مجموعه شهری تهران در شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور در سال ۱۳۸۱، هیأت وزیران به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی، کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران را در مصوبه‌ای تاریخی و مهم در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۸۲ به تصویب رساند. مطابق با قانون اساسی و براساس نظر رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، اصلاحاتی در این تصویب‌نامه اعمال و نهایتا در خردادماه سال ۱۳۸۳ برای اجرای دستگاه‌های مربوطه ابلاغ شد. درواقع از رهگذر سه دولت، طرحی برای افق ۱۴۰۰ مهیا شد که عمل به آن می‌توانست تا حد زیادی توسعه پایدار، برنامه‌مند و کنترل‌شده تهران، کرج و شهرهای پیرامون آنها را تحقق بخشیده و بستری منطقی برای اقدامات شهرداری و دولت فراهم کند. مرور برخی از سیاست‌های مندرج در این طرح، ضروری و درعین‌حال حسرت‌انگیز است؛ سیاست‌هایی که قریب به ۱۵ سال قبل، زمانی که هنوز تهران در گرداب مشکلات کنونی گرفتار نشده بود تصویب شد و می‌توانست از تحقق تهران امروز جلوگیری کند:

● کاهش تمرکز جمعیت و فعالیت در شهر تهران و توزیع آنها در سایر کانون‌های جمعیتی مصوب مجموعه به‌منظور جلوگیری از پراکندگی بیشتر در روند اسکان جمعیت و استقرار فعالیت‌ها

● بازنگری در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های دردست‌مطالعه، مصوب و دردست‌اجرای توسعه‌بخشی و کالبدی استان تهران [سابق] توسط کلیه دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط و مؤثر در امر توسعه و عمران بر مبنای الزامات گزینه جمعیت مصوب.

● سیاست‌گذاری درخصوص نحوه واگذاری تراکم ساختمانی با رعایت سقف مصوب ۷٫۶۵میلیون نفر جمعیت برای محدوده شهر تهران در کلیه برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری

● توقف توسعه مسکونی در مناطق (۲۱ و ۲۲) و اراضی شرق منطقه (۴) شهرداری تهران و تخصیص اراضی مذکور به کاربردهای مقیاس منطقه‌ای، ملی و فراملی

● تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های لازم به‌منظور حفاظت از اراضی کشاورزی، مرتعی و نواحی روستایی و توسعه فضاها و کمربندهای سبز، پارک‌های ملی و مناطق حفاظت‌شده مجموعه.

همچنین این طرح راهبردها و سیاست‌هایی را برای سایر حوزه‌های شهری ارائه کرده و درخصوص اسکان جمعیت و فعالیت، نظام جابه‌جایی، حفاظت و توسعه فضاهای باز و سبز و استقرار فعالیت‌های صنعتی، پیشنهادهای راهبردی و حتی بعضا دقیق و مشخص، برای اجرا از سوی شهرداری‌ها و نظارت از سوی دولت (شورای‌عالی شهرسازی و معماری) فراهم می‌کند. اما شاید مهم‌ترین دستاورد و خروجی این طرح در یکی از دو «شرط» تحقق آن هویدا باشد: ایجاد نهاد واحد مدیریت مجموعه شهری تهران. منظور نهادی است که فراتر از سطوح تصمیم‌گیری شهرداری‌های تهران، کرج، و سایر شهرها، ضمن نظارت بر روند اجرای طرح بتواند روابط میان کانون‌های جمعیتی و فعالیتی را در سطح مجموعه سامان بخشیده و موجبات تحقق توسعه پایدار کل منطقه کلان‌شهری تهران را فراهم کند. در زمان تصویب طرح، به دلیل تطابق تقریبی محدوده مجموعه شهری تهران با استان (سابق) تهران، استاندار تهران با اختیارات ویژه، مسئول این امر می‌شود. هرچند پیشنهاد اولیه تهیه‌کنندگان طرح، تعریف یک «شورا» برای نظارت بر این مجموعه بود، اما به‌هرحال تعریف استانداری تهران (سابق) به‌عنوان نهاد مدیریت مجموعه شهری نیز خود گام اولیه‌ای برای تحقق مدیریت واحد در این پهنه از سرزمین قلمداد می‌شد. پیگیری، اجرا و نظارت بر این طرح عملا از نظر زمانی با آغاز کار دولت نهم و شهرداری جدید (و کماکان فعلی) تهران مصادف شد.

مروری بر عملکرد دولت‌های نهم و دهم، همین‌طور شهرداری تهران درباره این طرح بسیار ناراحت‌کننده، عبرت‌آموز و تأسف‌بار است. طرحی که به عقیده جامعه شهرسازی کشور یکی از پیشروترین و تأثیرگذارترین اسناد توسعه شهری و منطقه‌ای بعد از انقلاب تلقی شده و ویترین برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشور بود، از سوی دولت جدید مورد بی‌مهری قرار گرفته و مسکوت می‌ماند. دولت نه‌تنها تدبیری برای ایجاد یکپارچگی مدیریتی در این مجموعه از طریق نهاد تعریف‌شده نمی‌کند، با جداسازی دو استان تهران و البرز عملا راه را بر مدیریت استانداری تهران بر کل سطح مجموعه می‌بندد. آرزوی دیرین یکپارچگی برنامه‌ای و مدیریتی در منطقه کلان‌شهری تهران با این تصمیم شتابزده نقش بر آب می‌شود بی‌آنکه راه‌حل ثانویه‌ای برای آن اندیشیده شود. منطقه‌ای که با داشتن تنها یک درصد از کل وسعت کشور، قریب به یک‌پنجم جمعیت آن را دربر می‌گیرد، با وجود داشتن طرحی بلندمدت که در عالی‌ترین مراجع کشور به تصویب رسیده، در تندباد سیاسی‌کاری‌ها مغفول مانده و دولت مانده در تصمیم‌های لحظه‌ای و معجزه‌آسا بستر را برای جولان شهرداری‌ها بر پیکر بی‌رمق شهرهای این مجموعه فراهم می‌کند.

شهرداری تهران نیز از ناآگاهی دولت وقت کمال استفاده را کرده، شهر را به میدان تاخت و تاز خود بدل می‌کند. دقیقا همان نقاطی که در طرح مجموعه شهری، ساخت‌وساز در آنها صریحا ممنوع شده، برخلاف این طرح فرادست به فرصتی برای شهرداری تهران تبدیل می‌شود. آخرین فرصت‌های شهرسازی تهران در قامت برج‌هایی بی‌قواره در مقابل چشمان شهروندان از دست می‌رود. طرح تفصیلی که شهرداری آن را پرچم برنامه‌مندی و قانون‌گرایی خود می‌داند، با فاصله‌ای زیاد از ضوابط و مقررات شهرسازی و اسناد فرادست تصویب شده و شورای‌عالی شهرسازی و معماری نیز درست در زمانی که لازم است به وظیفه تاریخی خود در قبال شهر تهران عمل کند، در برابر اقدامات خلاف مصوبه‌های قبلی سکوت کرده و عرصه را برای مدیریت شهری باز می‌گذارد. ورود باد به شهر تهران از لابه‌لای برج‌های سر به فلک کشیده به آرزوی شهروندان تهرانی تبدیل می‌شود. حالا آنها در کارگاه ساختمانی بزرگ تهران باید به دنبال رفت‌وآمد و زندگی باشند؛ در تک‌تک کوچه‌ها و تمام گذرهای شهر. تنفس بی‌ضرر، به رؤیای شهروندان بدل شده و تنها خاطرات تهران قدیم است که برای آنان باقی مانده. این قانون‌گریزی و برنامه‌ستیزی تاریخی دولت و شهرداری، سؤالاتی اساسی را به ذهن متبادر می‌کند:

● زمین شهری کالایی نیست که قمار روی آن قابل بازگشت باشد. چگونه وضعیت اراضی غربی مناطق ۲۱ و ۲۲، و شرقی منطقه ۴، به ۱۵ سال قبل بازگردد؟ چه کسی مسئول بازپس‌گیری حقوق شهروندان از شهرستیزان است؟

● مسئولیت ازبین‌رفتن اراضی پیرامون شهر که طبق طرح مجموعه شهری مصوب هیأت وزیران باید به کمربند سبز (آن هم با تأکید بر باغات) تبدیل می‌شد، با چه کسی است؟

● بارگذاری‌های مسکونی - فعالیتی صورت‌گرفته در قالب پروژه‌های مسکن‌سازی بی‌پشتوانه در اقصی‌نقاط این مجموعه، که هم غالبا برخلاف طرح جامع شهرهای موضوعه بوده و هم مخالف طرح مجموعه شهری، چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد؟ مسبب آنها کیست و چرا شهروندان باید تاوان این کج‌اندیشی‌ها و قانون‌گریزی‌ها را بپردازند؟

● دولت وقت و شهرداری با چه مجوزی مصوبه رسمی هیأت وزیران را که مطابق با قانون اساسی لازم‌الاجرا بوده، مسکوت گذاشته و منطقه کلان‌شهری تهران را حداقل ۱۵ سال به عقب بازگردانده، بلکه در بسیاری موارد فرصت احیا را از بین برده‌اند؟

ادامه در صفحه ۱۷

نگاه

آنچه از شوراهای اسلامی کشوری باید دانست

حسین کوچکیان‌فرد

● توسعه همه‌جانبه هر جامعه‌ای مستلزم وجود ابزارهای مربوط به کسب مهارت برای رشد و تعالی آحاد آن است که از قبل روی آن وفاق ملی صورت گرفته و محمل‌های قانونی لازم فراهم شده است به‌طوری‌که می‌توان گفت بسیاری از مبارزات اجتماعی و سیاسی در جوامع مختلف برای ایجاد چنین نهادهایی برای نیل به اهداف توسعه و برون‌رفت از دایره عقب‌ماندگی است. شوراها از جمله این ابزارهاست که حرکت مبارزان و خون شهدای انقلاب مشروطیت با طرح انجمن و انقلاب اسلامی با ذکر شورا در قوانین اساسی مربوط بر آن صحه گذارده است. باوجود سابقه و ادبیات انجمن و شورا در زندگی اجتماعی مردم در قالب نهادهای سنتی برای مشاوره و تصمیم‌گیری از طریق ریش‌سفیدان روستایی و کلانتران در محلات شهری همچنین طرح این موضوع در عصر نبی مکرم اسلام و نزول آیاتی بر ضرورت مشورت و شور در کارهای مهم از سوی مسلمین با یکدیگر، این امر در حیات سیاسی و اجتماعی سده‌های اخیر ملل مشرق‌زمین به‌طور ساختارمند نهادی را به خود اختصاص نداد تا اینکه با تحولات منجر به انقلاب مشروطه، ازجمله ابزارهای مدرن برای فعالیت اجتماعی انجمن مطرح و در متمم قانون اساسی آن با طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی مشمول ذکر نام شد این انجمن‌ها یکی از موارد اختلافی میان استبداد محمدعلی‌میرزا با مشروطه‌خواهان بود که در خلأ مجلس شورای ملی پس از فتح تهران و به‌دنبال رفع استبداد صغیر این انجمن‌ها توانستند مدتی عهده‌دار امر قانون‌گذاری ملی نیز شوند که نشانه‌ای از اهمیت آن در مبارزات مردم در آن برهه است، اما این انجمن‌ها به معنی واقعی و ساختارمند هیچ‌گاه به ظهور نپیوستند تا اینکه با حرکت مردم در انقلاب اسلامی مجدد این مفهوم با عنوان و نام شورا مطرح شد، مستند بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنچه در قوانین موضوعه تعیین شد رده‌های شورایی، مرکب از شورای شهر، روستا، بخش، شهرستان و عالی استان‌هاست که در یک نظام سلسله‌مراتبی و به‌طور زنجیروار به یکدیگر پیوسته‌اند و تاکنون متجاوز از چهار دوره فعالیت را پشت‌سر گذاشته‌اند که از این طریق مردم‌سالاری را در واحدهای تقسیماتی کشور به منصه ظهور رسانده‌اند، مع‌الوصف ناکارآمدی در این دوره‌ها، ناملایماتی بر پیکر شوراها و پنداشت مردم از فواید آن وارد کرده و اگر به این منوال ایام سپری شود مشروعیتی را که از انتخاب آزاد برای شوراها حاصل شده است با ناکارآمدی مخدوش خواهد کرد. با وجود این، از خصلت‌های نهادهای مردم‌پایه امکان خودترمیمی و بازنمایی مجدد نقش‌ها در آن است که درباره شوراها یکی از راه‌های برون‌رفت از بن‌بست ناکارآمدی حرکت از قاعده هرم یعنی مردم به‌عنوان کنشگر اصلی در تعیین اعضای آن از طریق انتخاب نامزدهای شایسته برای شوراهاست که با آگاهی‌بخشی رسانه‌های جمعی نسبت به اهمیت شوراها در زندگی اجتماعی مردم مناطق مختلف و با بیان نقش منتخبان محلی در نظارت بر برنامه‌های توسعه برای رعایت توزیع عادلانه امکانات، رشد و توسعه هم‌زمان همه مناطق کشور با توجه به استعداد و امکانات بالقوه هر منطقه را فراهم کنند و نیز با احیای وظیفه شوراها در کادرسازی برای احراز پست‌های اداره امور ملی و محلی در انتخاب اعضای شایسته برای ورود به شوراها به مردم به‌عنوان بازیگران اصلی، در تحقق این امر یاری رسانند.

جدول ۲۷۱۰ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بزرگوار- شهر معبد باستانی آناهیتا- یک‌ششم ۲- داروی ضدعفونی‌کننده زخم- خط تصویری مصریان باستان ۳- گردآوری و تنظیم- معروف‌ترین تلسکوپ فضایی- درون صدف ۴- رشد- زبان عربی- سوره صدویکم قرآن ۵- آسیب و صدمه- شریک زندگی- از سازها ۶- زمان تعیین شده برای انجام کاری- شکوه و جلال- ضرر ۷- جداشدن- نوشته حاشیه سند- فام ۸- کتاب مقدس یهود- خدای هندو ۹- راستی و درستی- تنگ‌چشم- از آثار جک لندن ۱۰- سزاوارتر- کبیر- اهل‌سنت‌بودن ۱۱- عنوان پادشاهان مصر باستان بود- دختر امام حسین(ع)- از یاران امام علی(ع) که در جنگ صفین شهید شد ۱۲- مهم بودن- کوره نان پزی- سنت و آیین ۱۳- جای پا- اشعه فرابنفش- نماد پررویی است ۱۴- معادل فارسی شفاعت- از ماه‌های تابستانی ۱۵ - روزنامه پیش روی شما- ایالتی در مشرق آمریکا- سخن شمرده و دلنشین.

عمودی:

۱- نوعی نقاشی - عدل و داد- اسب رستم ۲- پراکندگی- بیماری کهنه و درازمدت- از فاصله زیاد ۳- از آثار دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، نویسنده ادبیات کشورمان- سفید در گویش آذری‌ها ۴- یاری و کمک- جریان برق اولیه کوئل را قطع و وصل می‌کند- روزانه ۵- راه آذری- نام پدر حضرت ابراهیم(ع)- شنونده ۶- معبد یهود- مغازه‌دار- کشور آفریقایی در همسایگی غنا ۷- پیک کاغذی- آگهی تلویزیونی- رفیق مشهدی ۸- مخفف گاه- خرید غیرنقدی- دزدی- بله آلمانی ۹- جمله قرآنی- از آلات موسیقی- کتاب ثبت رکوردهای جهانی ۱۰ - کاغذفروش- نافرمانی‌کردن- از جزایر ژاپن ۱۱- نوار تزئینی- آوازه- شکستگی در سنگ ۱۲- گوشه‌ای در دستگاه شور- مثل ماه- جهش ۱۳- کلیدی در موسیقی - بازیگر مرد فیلم «یتیم خانه ایران» ۱۴- فیلمی از سینمای دفاع مقدس ساخته ابراهیم حاتمی کیا- همدم- تکرار یک‌حرف ۱۵- هر بخش از تورات- مجلس قانون‌گذاری برخی کشورها- زن گندمگون.

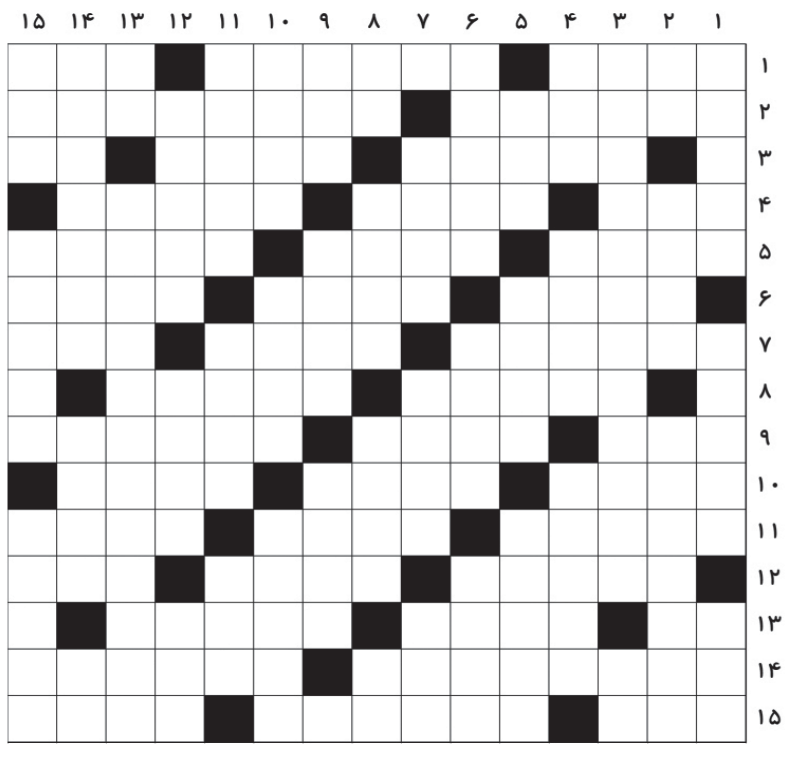

حل سودوکو سخت

۳	۸	۲	۴	۶	۱	۷	۵	۹
۶	۴	۷	۵	۸	۹	۱	۳	۲
۵	۹	۱	۳	۷	۲	۴	۶	۸
۷	۱	۴	۶	۹	۳	۸	۲	۵
۸	۳	۶	۲	۱	۵	۹	۴	۷
۹	۲	۵	۸	۴	۷	۳	۱	۶
۱	۵	۸	۷	۳	۶	۲	۹	۴
۲	۷	۳	۹	۵	۴	۶	۸	۱
۴	۶	۹	۱	۲	۸	۵	۷	۳

حل سودوکو ۱۷۰۶

۱	۳	۷	۹	۲	۴	۵	۶	۸
۴	۵	۶	۷	۸	۱	۳	۹	۲
۲	۸	۹	۳	۵	۶	۴	۱	۷
۶	۲	۱	۵	۴	۷	۹	۸	۳
۳	۷	۸	۲	۱	۹	۶	۴	۵
۵	۹	۴	۶	۳	۸	۷	۲	۱
۷	۴	۲	۱	۹	۳	۸	۵	۶
۹	۱	۳	۸	۶	۵	۲	۷	۴
۸	۶	۵	۴	۷	۲	۱	۳	۹

جدول ۲۷۰۹

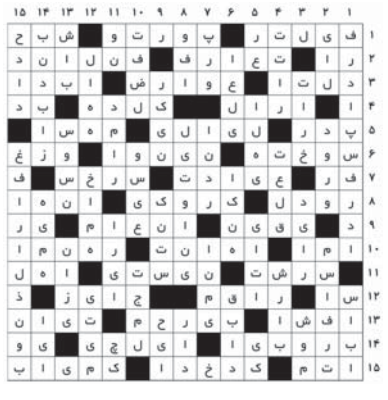

سودوکو سخت ۱۷۰۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۹		۵		۷		۴
	۶	۷					۳	۱
۴						۸	۹	
		۴			۸		۵	
۳		۸	۲					۹
		۲					۷	
				۳	۱	۲		
۷			۹				۶	
		۳	۵		۴		۱	

سودوکو ۱۷۰۷

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵			۶	۸	۷	۹		۲
	۶		۳				۵	۷
		۹				۳	۸	
۱			۸		۳	۶		
۸					۴		۳	۱
		۵	۹				۲	۸
۹				۲	۶		۷	۳
		۲			۵	۱	۴	
۴			۱		۸	۲		۵